

مدل کیفی همکاری نظام بانکی با شرکتهای حوزه فین تک به روش داده بنیاد

آرش عنصری^۱، عباس خمسه^{۲*}، تقی ترابی^۳، حمیدرضا یزدانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

چکیده

گسترش بانکداری تجاری سنتی از دهه‌های شصت و هفتاد میلادی بتدریج با توسعه صنعت دیجیتال، افزایش استفاده از نوآوری‌های این فناوری در صنعت بانکداری و استفاده روزافزون از توان دانشمندان حوزه فناوری اطلاعات، سرعت قابل توجهی پیدا کرد. طی سه دهه گذشته نظام بانکی ایران استارت آپ‌های حوزه فین تک را به رسمیت شناخته است و بتدریج از مقابله و رقابت با فین تک‌ها به همکاری و تشریک مساعی با این شرکت‌ها روی آورده است. در این مقاله به منظور دستیابی به یک چارچوب شفاف از نحوه اثربخشی و چگونگی تعاملات و همکاری‌های نظام بانکی ایران و شرکتهای فین تک، نسبت به تبیین و توسعه مدلی فراگیر جهت توضیح عوامل موثر و مولفه‌های آن پرداخته شده است. مبتنی بر نتایج این تحقیق، زیرساخت‌های علم و فناوری، سیاست‌گذاری، عوامل فرهنگی، قوانین و مقررات و چالش‌های امنیتی از مهمترین عوامل زمینه‌ای و عوامل ساختاری، نقش و جایگاه مدیران، زیرساخت فناوری اطلاعات و شبکه‌سازی بانک‌ها و فین تک‌ها از مهم‌ترین شاخصه‌های مداخله‌گر در مدل همکاری بانک‌ها و فین تک‌ها تبیین گردیده‌اند. بر مبنای نتایج مدل، ورود به همکاری‌های راهبردی انطباق‌پذیر؛ راهبرد اصلی شکل‌گیری همکاری نظام بانکی و فین تک‌ها تعریف شده است. نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده کارشناسان، فعالان و سیاست‌گذاران سیستم بانکی کشور و شرکتهای حوزه فین تک قرار گرفته و ضرورت و چگونگی ورود به همکاری‌های راهبردی را برای ایشان به طرز شفافی ترسیم نماید.

واژه‌های کلیدی: استارت آپ، فین تک، همکاری، نظام بانکی، داده بنیاد.

طبقه‌بندی JEL: E42, K24, M15, M16, M21, Z32.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی، گروه مدیریت تکنولوژی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه مدیریت صنعتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول: abbas.khamseh@iau.ac.ir)

^۳ دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

از سال ۲۰۱۰ میلادی دنیا بمرور شاهد تحولی شگرف در شکل‌گیری شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های اینترنتی و همچنین ارائه دهندگان خدمات مالی دیجیتال و گسترش تکنولوژی‌های بروز و مدرن کسب و کارهای مالی می‌باشد. نگاه‌هایی که با ترکیب فن‌آوری‌های نوآورانه دیجیتال و فناوری اطلاعات^۱ با مقوله‌های خدمات مالی و بانکی بمرور فین‌تک^۲ نامیده شدند. استارت‌آپ‌های نوظهوری که با تطبیق قوانین و مقررات مورد نیاز، فعالیت‌های مالی و بانکی، پرداخت‌های مالی، خرید و فروش و نقل و انتقالات پولی را دچار تحولی شگرف کرده، بتدریج بعنوان بازیگر اصلی این حوزه تبدیل به رقیب جدی برای ارائه دهندگان و عرضه کنندگان انحصاری این بازار یعنی بانک‌ها گردیده‌اند. (اسدی قنبری، سلامتی طبا، دانشگر و حیدری، ۱۳۹۵). مقوله قابل توجه در این میان نحوه برخورد، تعامل و تاثیرپذیری شرکت‌ها و نگاه‌های فین‌تکی و بانک‌ها از یکدیگر است. بانک‌های تجاری در ایران عموماً از ساختارهای تشکیلاتی بزرگ و کلانی برخوردارند که جریان عملیات در آنها عموماً به کندی صورت می‌پذیرد. انبوه کارکنان شاغل و تعداد زیاد شعب بانک‌ها در مقایسه با حجم عملیات و درآمد، غالباً سطح کارایی^۳ و بهره‌وری^۴ را پایین نگه داشته است. از سویی دیگر نگاه‌های استارت‌آپی و فین‌تکی دارای ساختارهای کوچک و چابک می‌باشند؛ تعداد کارکنان آنها بهینه و مبتنی بر تخصص و دانش فردی است. فعالیت کارکنان براساس شرح شغل‌های انعطاف‌پذیر و عموماً مبتنی بر دانش و فن‌آوری روز است. تاکید نگاه‌های استارت‌آپی و فین‌تک‌ها قبل از هر چیز بر دانش نوآورانه و خلاقیت نیروی انسانی است؛ به گونه‌ای که برخلاف مباحث اقتصاد کلاسیک، محوریت سرمایه و نیروی کار جایگاه خود را از دست می‌دهند. نکته قابل تامل و بسیار مهم در اینجا این است که هر دو دسته از خصوصیات متناقض بانک‌ها و فین‌تک‌ها رقابت را در میان ایشان تقریباً غیرممکن ساخته است. شرکت‌های فین‌تکی جهت عرضه و فروش محصولات خود به شبکه گسترده مشتریان سیستم بانکی وابسته خواهند بود، همچنین جهت معرفی و توسعه محصولات جدید نیاز به منابع مالی، مشارکت و احیاناً سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز بانک‌ها خواهند داشت (اسدالله، مهسا؛ ثانوی‌فرد، رسول و حمیدی‌زاده، علی؛ ۱۳۹۸). از سوی دیگر بانک‌ها نیز با توجه به نوع ساختار و برخورداری از سطح دانش و تخصص پایین، عملاً توانایی معرفی و ارائه محصولات با فناوری‌های بالا در حوزه مالی و بانکی را ندارند. با استناد به این واقعیت و بعد از گذشت مدت زمانی اندک از شروع رقابت میان فین‌تک‌ها و بانک‌ها، این گروه از نگاه‌های اقتصادی رویکرد همکاری و مشارکت را در پیش گرفتند. با توجه به رشد و گسترش روزافزون فین‌تک‌ها در بازار پولی و مالی ایران و لزوم تعامل و همکاری هرچه بیشتر با نظام بانکی به منظور ارائه خدمات سهل‌تر و بروزتر به مشتریان خود این تحقیق بر آن است تا ضمن بررسی و شناسایی عوامل موثر در تعامل سیستم بانکی و شرکت‌های فین‌تکی، نسبت به ارائه و توسعه یک مدل همکاری به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این حوزه در جهت ارتقاء و بهبود فضای کسب و کار آن اقدام نماید. به شکل

1. Information Technology

2. Fintech

3. Efficiency

4. Productivity

مشخص سؤالاتی که این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آن‌ها می‌باشد عبارتند از: تبیین ابعاد و مؤلفه‌های تاثیرگذار بر انگیزه بانک‌ها و فین تک‌ها در ورود به همکاری؛ ترسیم ابعاد و مؤلفه‌های تاثیرگذار برون سازمانی نظیر، الزامات قانونی و زیرساخت‌های فناورانه؛ تبیین موانع و مشکلات ورود به همکاری و شناسایی پیامدهای ورود به همکاری برای بانک‌ها و فین تک‌ها. با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته پژوهشی در سطح بین المللی که بصورت خاص بر تبیین مدل همکاری نظام‌های بانکی و شرکتهای فین تکی تمرکز نموده باشد ملاحظه نگردید. در سطح ملی نیز این تحقیق، از این لحاظ که تعاملات کل نظام بانکی با شرکتهای حوزه فین تک را به روش تحلیل کیفی داده بنیاد مورد بررسی قرار داده است دارای نوآوری می‌باشد. اما از نقطه نظر محقق مهمترین نوآوری این پژوهش در یافته‌ها و نتایج آن است. بر پایه نتایج حاصل از کدگذاریهای محوری و گزینشی و همچنین تبیین مدل همکاری، برای اولین بار راهبرد: لزوم ورود به همکاریهای راهبردی انعطاف پذیر با توجه به چرخه عمر^۱ و مراحل رشد شرکتهای فین تکی، ارائه شده است. این یافته نوآورانه بدین معنی است که بانکها بسته به اینکه شرکتهای آنها یا استارت آپ‌های فین تکی در کدام یک از مراحل رشد و چرخه عمر خود قرار دارند ممکن است سطوح متفاوتی از همکاری را انتخاب نمایند. بر این اساس بانکها هم زمان با تعدادی از فین تکها وارد اتحاد و همکاری استراتژیک می‌شوند، از برخی دیگر حمایت کرده و یا اقدام به سرمایه گذاری مخاطره آمیز^۲ می‌نمایند. همچنین در مبحث انگیزه بانکها و فین تکها در ورود به همکاریهای راهبردی مفهوم؛ اکوسیستم نوین کسب و کار برای اولین بار جهت توصیف فضای کسب و کار و تعاملات نظام بانکی و فین تکها مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت یافته‌های این تحقیق به این سوال پاسخ داده است که مدل همکاریهای نظام بانکی و شرکتهای حوزه فین تک چگونه است و بشکل تفصیلی فهم نحوه تعامل و همکاری میان فین تکها و نظام بانکی در ایران را مورد شناسایی قرار داده است. قبل از ورود به مبانی نظری پژوهش و در راستای فهم بهتر موضوع، توضیحی مختصر از وضعیت صنعت فین تک در ایران و استارت آپهای این حوزه ارائه می‌گردد. گرچه می‌توان اولین نشانه‌های ظهور صنعت فین تک در ایران را به سال ۱۳۵۱ با نصب خودپردازها مربوط دانست ولی تا زمان انقلاب اتفاق جدی در این حوزه به وقوع نپیوست. بویژه که شرکتهای بزرگ حوزه انفورماتیک نیز در این زمان از ایران خارج شدند. بنابراین شروع تحول سیستم مالی سنتی را شاید بتوان از سال ۱۳۷۲ و شروع اتوماسیون سیستم بانکی و تاسیس شرکت خدمات انفورماتیک دانست. برای اولین بار در سال ۱۳۷۵، بانک ملی طرح جامع اتوماسیون سیستم بانکی با نام سیبا را توسط شرکت خدمات انفورماتیک اجرا کرد. این شرکت همان سال سیستم سپهر بانک صادرات را نیز راه اندازی نمود. در دهه ۸۰ تحولات سرعت بیشتری گرفت و شرکتهای ارائه دهنده خدمات پرداخت راه اندازی شدند و اولین تراکنشهای موبایلی و راه اندازی اولین استارت آپهای این حوزه را هم در اواخر این دهه شاهد بودیم (آزادگان مهر و همکاران، ۱۳۹۸). طراحی سامانه‌های پرداخت آنلاین برای مشتریان، خریدهای اینترنتی از کسب و کارهای گوناگون و ارائه خدمات انتقال پول، جزو اولین فعالیت فین تکها در ایران است (روحانی‌راد،

1. Life cycle

2. Joint venture

۱۳۹۹). در دهه ۹۰ با افزایش ضریب نفوذ اینترنت، تلفن‌های هوشمند، کارت‌های بانکی و همچنین ورود سرمایه‌گذاران خطرپذیر و شتاب‌دهنده‌ها مسیر توسعه تجارت الکترونیکی ایران هموار و کسب و کارهای آنلاین و استارت‌آپ‌های فین‌تکی بسیاری شکل گرفتند که باعث شکل گرفتن یک اکوسیستم جدید در اقتصاد ایران گردید. ایجاد و توسعه اپلیکیشن‌های آپ، ۷۲۴، ۷۸۰ و ... همچنین سرمایه‌گذاری شرکت پرداخت الکترونیک سامان در تپسی و مشارکت شرکت آسان پرداخت و گروه اسنپ در ایجاد یک کیف پول مشترک برخی از نمونه‌های این بخش است. از دیگر بخش‌های مهم صنعت مالی می‌توان به شرکت‌های فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی بانک‌ها اشاره نمود که با سرمایه‌گذاری در محصولات جدید و استارت‌آپ‌ها سعی کردند تا نوآوری و چابکی را حفظ کنند. به عنوان نمونه می‌توان به سرمایه‌گذاری شرکت فناپ در ابرآروان و نشان، تاسیس شتاب‌دهنده تریگ‌آپ و مشارکت آنها با شهرداری‌ها جهت توسعه کیف پول و ایجاد اکوسیستم شهر هوشمند یاد اشاره کرد و همچنین شرکت ارتباط فردا با توسعه اپلیکیشن همراه کارت، تاسیس فضای کار اشتراکی و شتاب‌دهنده فینووا و سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ لندو و چند استارت‌آپ دیگر، از نمونه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه محصولات جدید در صنعت مالی است (گزارش مرکز پایش الکترونیکی^۱). توسعه اکوسیستم فین‌تک ایران با چالش‌های بسیاری نیز همراه بوده و هست. افزایش دفعات فیلترینگ استارت‌آپ‌های فین‌تک و نبود قوانین مشخص از مهم‌ترین عواملی است که ریسک سرمایه‌گذاری در این حوزه را بشدت افزایش می‌دهد. در حال حاضر مهم‌ترین و پرکاربردترین عرصه‌های فعالیت فین‌تک‌های ایرانی عبارتند از: مدیریت مالی، عملیات پرداخت، بانک‌پذیری، حواله‌های ارزی، استقراض و تأمین مالی جمعی، رمزارز، اینشورتک (بیمه)، مدیریت ثروت و رگ‌تک (امور تنظیم مقررات).

مبانی نظری پژوهش

فین‌تک اصطلاحی است که جهت توصیف فناوری‌های نوظهور با هدف افزایش کیفیت و خودکارکردن هرچه بیشتر ارائه خدمات مالی استفاده می‌گردد. شاکله فین‌تک‌ها استفاده از نرم افزارهای تخصصی و الگوریتم‌هایی است که به صورت روزافزونی در کامپیوترها و گوشی‌های هوشمند استفاده می‌شوند (الاولان^۲، ۲۰۲۳). محققان این حوزه، فین‌تک را یک نوآوری بر هم‌زنده تعریف می‌نمایند که مفاهیم جدید آن در فضای کسب و کار امروزی نظیر، بلاک‌چین^۳، تأمین مالی جمعی^۴، پرداختها، انواع بیمه، مدیریت دارایی و ثروت، تحلیل داده‌های کلان و واسطه‌های برنامه‌نویسی کاربردی^۵ می‌باشد (سیدیکویی و ریورا^۶، ۲۰۲۲). امروزه مقوله کسب و کار فین‌تکی بیشتر در قالب مفهوم اکوسیستم بیان می‌شود، فضای کسب و کار فین‌تکی، شبکه جامع روابط متقابل میان استارت‌آپ‌های فین‌تکی، قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران، دولت و مؤسسات مستعد با منافع مشترک هستند. تعریف اکوسیستم فین‌تک نیز بستگی به جایگاه سهامداران عمده، قانون‌گذاران، بنگاه‌های فناوری اطلاعات، مؤسسات مالی، مشتریان و سرمایه‌گذاران دارد (تین، اسد،

1. E-Commerce Monitor

2. Valavan

3. Block chain

4. Crowd funding

5. Application Programming Interface, API

6. Siddiqui, and Rivera

قدوس و پوپسکو^۱، ۲۰۲۱). فین تک‌ها بنگاه‌هایی هستند که از فناوری جهت ارائه راهکارهای مالی همراه با استفاده از اینترنت و فراوری اطلاعات هوشمند استفاده می‌نمایند. این نوآوری در صنعت مالی منجر به کاهش هزینه‌ها، کارایی بالاتر، نوآوریهای سریع، انعطاف پذیری و بهبود فرایندهای کسب و کار شده است (تاکور^۲، ۲۰۲۰). مدل‌های کسب و کار فین تک‌ها به سوی ارائه خدمات طراحی شده بر اساس نیازهای مشتریان، بدون لحاظ مرزهای جغرافیایی، زمانی و بصورت خودکار در حال حرکت هستند. واسطه‌ها بیش از پیش در حال حذف شدن می‌باشند و صفحه‌های بر خط، جهت تجارت، اعطای وام افراد به افراد، تأمین مالی جمعی، مدیریت دارایی و انجام مشاوره‌های رباتیک ایجاد شده‌اند (زیدیکویی، ریورا، ۲۰۲۲). صنعت خدمات مالی همیشه به عنوان صنعتی که تمایل و وابستگی زیادی به استفاده و بکارگیری تکنولوژی اطلاعات داشته است شناخته می‌شود و تدریجاً این مسئله منجر به ارتباطی ناگسستگی میان صنعت خدمات مالی و فناوری اطلاعات گردیده است (الساوی و پیرا^۳، ۲۰۱۳؛ لوکاس و همکاران^۴، ۲۰۱۳). فین تک‌ها همچنین بنگاه‌هایی محسوب می‌شوند که جایگاه چالش برانگیز آنها با توجه به مدل‌های کسب و کار خاص و خدمات ارائه شده در بخش مالی مورد توجه ویژه قرار گرفته اند، جایگاهی که به صورت ویژه و خاصی با معرفی نوآوریهای مبتنی بر فناوری ایجاد شده است (گومبر و همکاران^۵، ۲۰۱۷) و شاهد تمامی این جنبه‌ها در تعریف (سایا و همکاران^۶، ۲۰۲۰) نیز می‌باشیم. در این تعریف فین تک‌ها به عنوان نسل جدیدی از استارت آپ‌های فن آوری مالی که صنعت خدمات مالی را دچار تغییرات انقلابی و بنیادین کرده‌اند تعریف شده اند و یا پوشمان^۷ (۲۰۱۷) که این بنگاه‌ها را شرکت‌هایی معرفی می‌کند که با نوآوری‌های ارزش آفرین و یا بعضاً برهم زننده^۸، مدل‌های کسب و کار صنعت خدمات مالی را تحت تاثیر تحولات و پیشرفت‌های فناوری اطلاعات قرار داده و منجر به ظهور مدل‌های کسب و کار جدید درون و یا برون سازمانی، محصولات و خدمات، نهادها، فرایندها و سیستم‌های عملیاتی جدید می‌شوند. در این حوزه نیاز به سیاست‌گذاری‌های چابک، تجربی و مشارکتی اجتناب ناپذیر خواهد بود. امروزه بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های حوزه فین تک، خدمات خود را در قالب سرویس‌های شخصی سازی شده نیز به صورت رابط برنامه‌نویسی کاربری باز^۹، در پلتفرم فین تک ارائه می‌کنند. بدین ترتیب کسب و کارها می‌توانند خدمت مورد نظر را بدون وابستگی به ارائه کننده سرویس دریافت نمایند. بی شک بانکداری باز^{۱۰}، علاوه بر فرصت‌های بسیار، چالش‌هایی را نیز به همراه خود دارد. فرصت‌هایی مانند ارائه محصولات توسعه یافته‌تر، توزیع بهتر، استفاده کمتر از زیرساختها، کاهش ریسک، توسعه سیستم مالی؛ و چالش‌هایی مانند ریسک لطمه به اعتبار برند بانک، از دست رفتن اعتماد مشتریان، کاهش درآمدهای بانک، مسئله مالکیت تراکنش‌ها و نگرانی‌های امنیت سایبری (اسدالله، ثانوی فرد و حمیدی‌زاده، ۱۴۰۰). از سوی دیگر در مقوله همکاری چیزا^{۱۱} (۲۰۱۹)، همکاری را وسیله‌ای

1. Tien, Asad, Quddus, Popesko

2. Thakor

3. El Sawy and Pereira

4. Lucas Jr. et al.

5. Comber et al.

6. Sia et al.

7. Pushman.

8. Disruptive

9. Application Programming Interface

10. Open Banking

11. Chiesa

برای دستیابی به فناوری می‌داند و با استفاده از آن کلیه روشهای همکاری را تعریف کرده است. همکاری درگیری متقابل شرکاء برای حل کردن یک مسئله را شامل می‌شود که اعتماد متقابل نقش مهمی در آن دارد. نکته مهم و قابل اهمیت دیگر درک تفاوتی ظریف میان مفاهیم همکاری و تشریک مساعی است. اختلافی که بسختی قابل تشخیص است و حتی در صورت تشخیص هم شامل استفاده‌های بسیار متنوعی از مفهوم تشریک مساعی در ادبیات امروزی می‌شود. پیچیدگی این بحث وقتی بیشتر می‌گردد که از مفاهیم مرتبط دیگری نظیر شبکه‌سازی، ارتباطات و هماهنگی نام برده می‌شود (کولبری^۱، کالج^۲، و کابرینی^۳، ۲۰۱۴). اگرچه تمامی این مفاهیم عنصر تشکیل دهنده مهمی از این مفهوم هستند اما از ارزشی برابر با یکدیگر و یا با خود مفهوم تشریک مساعی برخوردار نمی‌باشند.

بر اساس راهکارهای اجرایی بنسیمون^۴ (۱۹۹۹)، یک مدل همکاری دارای چهار مولفه اساسی و بنیادی می‌باشد (تودوا و کنوکه^۵، ۲۰۰۵): ۱. تحلیل و برآورد میزان شایستگی و صلاحیت شرکاء ۲. در نظر داشتن شرکاء و همکاران فعلی بعنوان رقبای بالقوه ۳. به اشتراک گذاشتن منابع و نقاط قوت با شرکاء در برابر افشای محتاطانه اطلاعات و ۴. تعیین ساختاری دقیق و مدقانه برای همکاری. در تلاش بنگاه‌ها جهت دستیابی به مزیت‌های رقابتی، سطح بالای کارایی، دوری از ریسک‌های عدم اطمینان و رویه‌های نامتعطف سلسله مراتبی در بازار چندین الگو از مواجهات میان سازمانی بروز می‌نماید. در جدول شماره ۱، ۱۳ شکل از اشکال اولیه ارتباطات میان سازمانی طبقه بندی گردیده است.

جدول شماره ۱. انواع همکاریهای میان سازمانی

ارتباطات سلسله مراتبی	از طریق ادغام و یا خرید، یک بنگاه کنترل کامل بنگاه دیگر را در دست می‌گیرد و فعالیتها با توجه به مکانیسم حق مالکیت تطبیق می‌یابند.
سرمایه‌گذاریهای مخاطره آمیز ^۶	دو یا چند بنگاه سازمانی مشترک تاسیس می‌نمایند که اهداف مشخص و محدودی را دنبال می‌نمایند نظیر تحقیق و توسعه و بازاریابی.
سرمایه‌گذاری مشترک	نگهداری سهام حداقلی و یا حداکثری توسط یکی از شرکا از طریق خرید سهام شرکت دیگر.
همکاریهای تعاونی	همکاری موقت بنگاههای کوچک در ترکیب و مدیریت منابع منتخب خود.
کنسرسیوم تحقیق و توسعه	توافقات درون و میان سازمانی جهت همکاریهای تحقیق و توسعه که عموماً در حوزه‌های فناوریهای تغییر پذیر شکل می‌گیرند.
قراردادهای تعاونی راهبردی	شبکه‌های تجاری قراردادی مبتنی بر کنترل‌های راهبردی چندکاره با شرکایی که در خصوص تصمیمات کلیدی راهبردی تشریک مساعی می‌نمایند.
کارتل‌ها	سازش و همکاری چند بنگاه بزرگ تجاری بمنظور محدود کردن رقابت از طریق کنترل مشترک حجم تولید و قیمت گذاری در صنعتی خاص.
فرانشایز ^۷	اعطای امتیاز استفاده از یک برند و یا نام تجاری در محدوده جغرافیایی خاص با حفظ و نگهداری حق کنترل بر قیمت گذاری، بازاریابی و نحوه ارائه خدمات.
اعطای امتیاز ^۸	ارایه امتیاز حق استفاده از تکنولوژی پتنت شده خاص با یک روش تولید مشخص

1. Colbry
2. College
3. Cabrini
4. Bensimon

5. Todeva and Knoke
6. Joint Venture
7. Franchising
8. Licensing

در مقابل دریافت وجه و تمهیدات ویژه.	
ارتباطات میان شبکه ای مجموعه ای از شرکتهای به شکلی که یک پیمانکار فرعی با عرضه کنندگان در خصوص قیمت و دورههای تولید و تحویل مذاکره می نماید.	شبکههای پیمانکاری
کمیته ها و گروههایی که بدنبال انعقاد قرارداد با سازمانها و موسسات عضو جهت تطبیق و اتخاذ استانداردهای فن آوری در تولید و تجارت می باشند.	گروههای استاندارد صنعتی
پیمانهای موقت میان سازمانی که اعضاء تلاشهای لابی گری و ارتباطی با سیاست گذاران بخش عمومی را با یکدیگر هماهنگ می نمایند.	تنظیم فعالیتهای مشترک
مبادلات، تراکنشهای میان سازمانی و قیمت گذاری کاملاً مبتنی بر مکانیسمهای خالص بازار تبیین می شوند.	روابط مبتنی بر بازار

با توجه به سطوح مختلف همکاریهای فوق، مدلهای مختلفی جهت همکاری و تعامل میان بنگاههای متصور است؛ از انواع آنها می توان به ائتلافات راهبردی و همچنین ائتلافات راهبردی به عنوان چاقوبهای دوگانه اشاره کرد (اوسترا^۱، ۱۹۹۵؛ اولک^۲، ۱۹۹۹). عموماً دلایل زیادی جهت ورود بنگاهها به ائتلافات و همکاریهای راهبردی شمرده می شود. افزایش ظرفیتهای تولیدی در جهت کاهش عدم اطمینان در ساختارهای داخلی و محیطهای بیرونی، بکارگیری مزیت های رقابتی بمنظور افزایش سود و یا دستیابی به فرصتهای تجاری آتی که به آنها اجازه می دهد ضمن کنترل بازار، منافع بیشتری را از فروش محصولات خود کسب نمایند (وېستر^۳، ۱۹۹۹).

پیشینه پژوهش

در پژوهشی تحت عنوان «سناریوهای صنعت فین تک و بانکداری ایران در افق ۱۴۱۰» جایگاه استارت آپ های فین تکی در سیستم مالی ایران و در تعامل با بانکها در افق ۱۴۱۰ مطالعه شده است. بر این اساس چهار سناریوی سازگار و محتمل در ارتباط با آینده استارت آپ های فین تکی شامل، فتح قلمرو (تسلط کامل فین تکها)، رقابت در تسخیر صنعت بانکی، درجا ماندگان (عدم استقبال زیاد کاربران) و مرگ تدریجی یک رؤیا (ناکامی استارت آپ) تبیین و در نهایت احتمال وقوع هر یک بررسی شده است (مروّت و نظری زاده، ۱۴۰۱). روحانی راد (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «فین تک، جستاری در ایران و جهان» که با روش پژوهش کتابخانه ای انجام شده، تحولات، کاربردها، مزایا و معایب فین تک در ایران و جهان را بررسی کرده است. بر اساس این مقاله، در پی تحولاتی که با گسترش استفاده از اینترنت پدید آمد، از یک سو بانکها و مؤسسات مالی سنتی دریافتهند چاره ای جز پذیرش روند گذار ندارند، از سویی دیگر بحران مالی سال ۲۰۰۸ باعث نمایان شدن ناکارآمدی نظام بانکداری و سرمایه گذاری سنتی شد. به این ترتیب، فرصت مناسبی برای استارت آپ ها و فعالان حوزه فناوری فراهم شد تا وارد حوزه مالی شوند. پاینده و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله ای تحت عنوان «همکاری بانک و فین تک: مروری نظام مند بر ادبیات علمی» به مرور مقالات علمی در این حوزه پرداخته اند و سؤال اصلی مقاله از این قرار است: ادبیات علمی چه دستاوردهایی

1. Auster

2. Oik

3. Webster

در زمینه همکاری بانک و فین‌تک داشته است. برای پاسخ به این سؤال از روش مرور نظام‌مند بر ادبیات (منطبق بر بازبینی پریسما) استفاده شده و ضرورت، سیر تطور، چالشها، پیشرانها، منافع، موانع و انواع همکاری بانک و فین‌تک در مقالات علمی بررسی شده است. عزیزاده (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی صنعت فین‌تک و تدوین برنامه سیاستی توسعه فین‌تک در ایران» نسبت به ارائه تاریخچه و دسته‌بندی مورد پذیرش در ایران، سناریوهای پیش رو در رابطه بانکها و فین‌تکها با تاکید بر وضعیت رگولاتوری فین‌تک در اروپا و دنیا اهتمام ورزیده است. اسدالله و همکاران (۱۳۹۸)، مقاله ای تحت عنوان «الگوی کسب و کار بانکداری الکترونیک مبتنی بر ظهور فین‌تکها و استارت‌آپ‌های مالی» را با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر مدل کسب و کار بانکداری الکترونیک در قالب پیشرانها و پیامدها تدوین نموده اند. نتایج این تحقیق نشان داد که از نظر خبرگان در حوزه پیشرانهای مدل کسب و کار بانکداری الکترونیک به ترتیب شاخصهای ساختار مؤسسات مالی، بخشبندی مشتریان، توسعه دهندگان فناوریهای مالی و محیط کسب و کار دارای بیشترین اهمیت میباشند. در خصوص ابعاد مدل کسب و کار نیز به ترتیب خدمات پیشنهادی ارائه شده دارای بیشترین اهمیت و پس از آن سازه ارتباطی مشتریان، مدیریت زیرساخت و جنبه مالی در رتبه‌های بعدی قراردارند. در حوزه پیامدهای طراحی مدل کسب و کار بانکداری الکترونیک نیز به ترتیب شاخصهای بهبود فضای کسب و کار، بهبود عملکرد سازمانی و رواج بانکداری مجازی دارای بیشترین اهمیت است. خانلری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تبیین و طراحی مدل شکل‌گیری بازار خدمات بانکی مبتنی بر فناوری مالی (فین‌تک) در ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد» عنوان داشته‌اند که یافته‌های آنها در قالب یک مدل پارادایمی شامل شرایط علی (عوامل اقتصادی و اشتغالی سال ۱۳۹۱، نوآوری در اقتصاد و تغییر رفتار مشتریان)، مقوله اصلی (خلاء نهادی)، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها پدیدار شده است. در مطالعه‌ای که بر روی ادبیات موضوعی فین‌تک از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۱ تحت عنوان «شاخصه‌های فین‌تک: مروری بر ادبیات موضوع» صورت پذیرفته است، بعد از مرور دهها مقاله، شاخص‌های فین‌تک به دو گروه شاخص‌های درون سازمانی بانک و برون سازمانی تقسیم‌بندی شده است. شاخص‌های درون سازمانی بانک عبارتند از: فشار شرکتهای فین‌تک، راهبردهای فین‌تکی بانک و کیفیت نیروی انسانی. شاخصهای برون سازمانی عبارتند از: فناوریهای برهم زننده^۱، قوانین و مقررات فین‌تک و فضای کسب و کار (تین و همکاران^۲، ۲۰۲۱). ماراجینی^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، در مقاله ای تحت عنوان «تحولات دیجیتال و تأثیرات آن بر مدل‌های کسب و کار بانکها تحت تأثیر فین‌تکها و بیگ تکها» بیان می‌دارند؛ گسترش انفجار گونه هوش مصنوعی، ماشینهای یادگیرنده و روشهای مبتنی بر داده‌های کلان طی ده سال گذشته در حوزه مالی و بانکی منجر به تغییرات ژرف و عمیقی در افزایش بی سابقه اهداف سودآوری و کارایی کسب و کار شده است. تمایل در استفاده و بکارگیری مفاهیم حاصل از هوش مصنوعی همراه با افزایش معنی‌دار مقدار، پیچیدگی و تنوع

1. Disruptive technology

3. Maracine et al

2. Tien et al

داده‌هایی که بانکها جمع‌آوری، نگهداری و پردازش می‌نمایند منجر به خلق واژه‌ای ژنریک تحت عنوان فین تک و یا بصورت خاص تر بیگ تک گردیده است. در مقاله ای که توسط دانشگاه برمن و مونستر آلمان با عنوان «چگونگی تعامل بانکها و شرکتهای استارت‌آپی در حوزه فین تک» منتشر گردیده است، تاثیر دیجیتال سازی صنعت بانکداری از طریق تحلیل خصوصیت بانکها به عنوان عاملی اساسی که در همکاری و تعامل میان بانکها و استارت آپ‌های فین تکی نقش بازی میکند اندازه گیری شده است (هورنوف^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). به علاوه شاخصه‌هایی که برای یک بانک در تصمیم گیری نسبت به سرمایه گذاری در یک فین تک در مقابل ورود به همکاریهای محصول محور مرتبط می‌باشند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت این موضوع مورد آزمون قرار می‌گیرد که آیا ورود به یک همکاری و یا اتحاد جدید ارزش بازار بانکها را تحت تاثیر قرار می‌دهد یا خیر. با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از یکصد بانک منتخب و بزرگ در کشورهای کانادا، فرانسه، آلمان و بریتانیا اثبات گردیده است که نه تنها اتحادهای میان بانکها و فین تکها طی دهه گذشته افزایش یافته است بلکه تقریباً انواع تعاملات و اتحادهای موجود در هر چهار کشور مشابه بوده اند. تاکور (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان «فین تک و بانکداری» به مرور ادبیات موضوعی فین تک و تعامل آن با نظام بانکی پرداخته است. آنچه مشمول فین تک شده است نوآوری در سیستم‌های پرداخت (در برگیرنده رمزارزها) بازار اعتبارات (شامل وام دهی افراد به افراد) و بیمه است که قراردادهای هوشمند بهره گرفته از بلاک چین در آن نقش مهمی بازی می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک تحقیق کیفی است که از حیث هدف کاربردی بوده و از نظر پارادایم در ذیل پارادایم تفسیری با رویکردی استقرایی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر به منظور شناسایی عوامل و شاخصهای موثر بر شکل‌گیری همکاریهای نظام بانکی کشور و شرکتهای حوزه فین تک از نظر هر دو گروه و جهت ارائه مدل کیفی از روش داده‌بنیاد استفاده کرده است. در اینجا شرح مختصری از روش داده‌بنیاد^۲ و علت انتخاب آن ارائه شده است. «نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموع داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۵). بنیانگذاران این متدولوژی، دو محقق به نامهای گلیسر و استراوس بوده‌اند^۳ و نظریات خود را در خصوص این روش، در کتابی با عنوان «کشف نظریه داده‌بنیاد» در دهه ۱۹۶۰ منتشر کردند. بر اساس دیدگاه پدیدآورندگان آن، نظریه داده‌بنیاد در واقع روشی است کیفی، برای ساخت نظریه‌ای که مبتنی بر واقعیات و داده‌ها باشد (منصوریان، ۱۳۸۶). منابع تحلیل محتوا در این پژوهش ابتدا، کتب، مقالات و پایان نامه‌های مرتبط با موضوع، عموماً از سالهای ۱۳۹۰ شمسی و ۲۰۱۰ میلادی به بعد بوده است که مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در مرحله بعدی جهت تبیین شاخصهای تاثیرگذار بر همکاریهای

1. Hornuf

2. Grounded Theory

3. Glaser, B and Strauss, A

راهبردی نظام بانکی ایران با شرکتهای حوزه فین‌تک، از نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان نظام بانکی و فین‌تک‌ها همچنین یادداشتهای محققین حین انجام و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها استفاده گردید.

جامعه آماری پژوهش از میان خبرگان نظام بانکی ایران در حوزه بانکداری دیجیتال و شرکتهای حوزه فین‌تک به روش نمونه‌برداری گلوله برفی و با لحاظ این شرایط انتخاب گردیده‌اند؛ ۱- برخورداری از دانش و تجربه مرتبط به موضوع، ۲- داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر، ۳- داشتن حداقل ده سال سابقه کاری در این حوزه و ۴- داشتن سابقه مدیریت اجرایی در حوزه بانکداری دیجیتال، مدیریت استارت آپها و شرکتهای فین‌تکی. نهایتاً پژوهشگر با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگانی که به روش فوق انتخاب شده‌اند و پیاده‌سازی در نرم‌افزار اطلس‌تی، نسبت به جمع‌آوری داده‌های کیفی اقدام نموده، سپس با صرف زمان و مذاقه بسیار به واکاوی و تحلیل داده‌های طبقه‌بندی شده و نهایتاً تبیین رویدادها و پدیده‌های مورد مطالعه پرداخته است. باتوجه به اینکه از مصاحبه نفر دوازدهم به بعد، مفاهیم و مقوله‌های جدیدی کشف نشد، با این حال برای اطمینان از دستیابی به یک اجماع نظری، دو مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت و داده‌های مربوط به آنها مورد تحلیل قرار گرفت.



شکل شماره ۱. مراحل پژوهش کیفی (شمایی کوپایی، ۱۳۹۳)

جهت تایید اعتبار مدل در پژوهش‌های کیفی آزمونهای خاصی تعریف نشده است، بنابراین ضروری است تا پایایی و معنادار بودن نتایج حاصل از مدل کیفی به تایید خبرگان و مصاحبه شوندگان تحقیق رسانده شود (اشتراووس و کوربین^۱، ۱۹۹۸؛ کوربین و اشتراووس^۲، ۲۰۰۸). بدین منظور بعد از انجام و اتمام

1. Strauss, and Corbin

2. Corbin, and Strauss

کدگذاریهایی باز توسط محقق و تبیین مقولات محوری و گزینشی، یافته‌های تحقیق در چندین نوبت و بصورت رفت و برگشتی به نیمی از مصاحبه شوندهگان شامل ۴ خبره بانکی و ۳ خبره از حوزه فین تک ارائه و بعد از انجام اصلاحات و تعدیلات لازم عموماً در کدهای محوری و نتایج کدگذاری گزینشی، مورد تایید قرار گرفت. بر این اساس، ده شاخص جهت بررسی میزان مقبولیت نتایج تحقیق، طراحی و تبیین شده و شرح اقدامات مورد نظر به شرح جدول شماره ۲، ارائه گردیده است.

جدول شماره ۲. ارزیابی کیفیت یافته‌های پژوهش

معیار	شرح	اقدام
تناسب ^۱	آیا یافته‌ها با تجربه افراد حرفه‌ای و مشارکت کنندگان متناسب است؟	یافته‌های پژوهش با نیمی از مصاحبه شوندهگان به اشتراک گذاشته شد و تمامی یافته‌های تحقیق مورد تایید قرار گرفت. همچنین جهت اطمینان از صحت یافته‌ها، نتایج با تعدادی از نخبه‌گان صنعت بانکداری دیجیتال و فین تک مورد بحث و تبادل نظر واقع شد.
کاربرد ^۲ یا سودمندی یافته‌ها	آیا یافته‌ها توضیح و بینش جدیدی را ارائه می‌دهند و می‌توان از آنها برای توسعه سیاستها، تغییر در عملکرد و یا افزودن مطالب جدید به پایگاه دانش استفاده کرد؟	یافته‌های این پژوهش به مدیران عالی بانکها و شرکتهای حوزه فین تک جهت ورود به تعامل و همکاری راهبردی با یکدیگر کمک شایانی می‌نماید. همچنین تبیین عوامل موثر توسط این مدل می‌تواند مورد استفاده سیاستگذاران و برنامه ریزان جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی قرار گیرد.
مفاهیم ^۳	مفاهیم برای توسعه درک مشترک و بحث و تبادل نظر بین افراد حرفه‌ای ضروری هستند؛ بنابراین انتظار می‌رود یافته‌ها در قالب مفاهیم سازمان دهی شوند. در نتیجه، چگونگی ارائه یافته‌ها مهم نیست بلکه مهم این است که یافته‌ها مفهوم داشته باشند.	یافته‌های پژوهش همگی دارای مفاهیم دقیق می‌باشند و در قالب مقوله‌های کلان و محوری عنوان گردیده اند. یافته‌ها با هفت نفر از مصاحبه شوندهگان و تعدادی از خبرگان صنعت در میان گذاشته شد و همگی به معنی دار بودن و قابل درک بودن مفاهیم اذعان داشتند.
زمینه‌سازی مفاهیم ^۴	یافته‌ها بدون زمینه ناقص هستند. بدون زمینه، خواننده پژوهش قادر به درک کامل وقایع اتفاق افتاده و اینکه چرا معانی خاصی به وقایع نسبت داده می‌شود نمی‌باشد.	بدین منظور تلاش شده است تا یافته‌های تحقیق در زمینه‌ای که منجر به ارتقاء همکاریهای راهبردی بانکها و فین تکها می‌گردند ارائه شود.
منطق ^۵	آیا یک جریان منطقی از ایده‌ها وجود دارد؟ آیا یافته‌ها دارای معنا هستند؟ آیا شکافهایی در منطق پژوهش وجود دارد که خواننده را سردرگم کند؟ آیا تصمیمات روش شناختی به گونه‌ای روشن هستند که خواننده بتواند در مورد مناسب بودن آنها برای جمع‌آوری داده‌ها و انجام تجزیه و تحلیل قضاوت کند؟	کلیه یافته‌های پژوهش دارای معنای ملموس می‌باشند و تصمیمات روش شناختی به گونه‌ای شفاف و روشن هستند که مناسب بودن جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها براحتی می‌تواند مورد قضاوت خواننده قرار گیرد. این مسئله مورد تایید هفت نفر از مصاحبه شوندهگان نیز قرار گرفت.
عمق ^۶	در حالی که مفاهیم یک زبان مشترک برای بحث و گفتگو فراهم می‌کنند و به یافته‌ها ساختار می‌بخشند، عمق جزئیات توصیفی است که غنا و تنوع را افزایش می‌دهد و یافته‌ها را از قلمرو	بدین منظور تلاش شده است تا مفاهیم زبان مشترکی در ارائه نتایج تحقیق ایجاد نمایند بنحوی که نتایج پژوهش همگی از یک زبان مشترک برخوردار می‌باشند. بزبان

1. Congruency

2. Applicability

3. Concepts

4. Contextualization of concepts

5. Logic

6. Depth

معیار	شرح	اقدام
	عادی خارج می‌کند. عمق همان مفهوم است که بین یافته‌های کم اهمیت و یافته‌هایی که پتانسیل ایجاد تغییر در سیاست و عمل را دارند، تفاوت ایجاد می‌کند.	دیگر یافته‌های تحقیق دارای جزئیات دقیق توصیفی می‌باشند که آنها را از اهمیت خاصی برخوردار کرده و از یافته‌های تحقیقهای مشابه قبلی متمایز کرده است.
تغییر پذیری ^۱	آیا شاهد تنوع در یافته‌های تحقیق می‌باشیم؟ آیا مواردی وجود دارند که در تناسب با مدل نمی‌باشند و تفاوت‌هایی در ابعاد و خصوصیات خاص دارند؟	در این پژوهش سعی شد تا با مراجعه به خبرگان صنعت بانکداری و فین تک، ابعاد جدیدی از پدیده مورد بررسی قرار بگیرد که با یافته‌های تحقیق‌های پیشین متمایز باشد.
خلاقیت ^۲	آیا یافته‌ها بصورت خلاقانه و نوآورانه ارائه می‌شوند؟ آیا این تحقیقات شامل مطالب جدید است و یا فقط یافته‌های قدیمی را به روش‌های جدید کنار هم قرار می‌دهد؟	با بررسی متعدد داده‌ها و تحلیل مکرر آنها تلاش شد تا یافته‌های خلاقانه و نوآورانه‌ای ارائه شوند. وجود خلاقیت در یافته‌های تحقیق در مشورت با تعدادی از نخبگان صنعت بانکداری دیجیتال و فین تک مورد تایید قرار گرفت.
حساسیت ^۳	آیا محقق نسبت به مصاحبه شونده‌گان و داده‌ها حساسیت نشان داده‌است؟ آیا سوالات مربوط به جمع‌آوری داده‌ها از طریق تجزیه و تحلیل بدست آمده است؟ یا مفاهیم و سوالات قبل از جمع‌آوری داده‌ها ایجاد شده‌اند؟	در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد بطوری که تعدادی سؤال از ابتدا طراحی شده و سپس هم زمان با طی فرایند مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها، سوالات جدیدی جهت هدایت پژوهش شکل گرفت.
مدارک و یادداشت‌ها ^۴	از آنجاییکه محقق نمی‌تواند همه بینه‌ها و نقطه نظرات مطرح شده در طول مصاحبه و پیشرفت تحقیق را بیاد آورد، یادداشت برداری بسیار ضروری می‌باشد. یادداشتها باید هم زمان با پیشرفت تحقیق، با توجه به عمق و درجه انتزاع تکامل یابند.	در این پژوهش و در طی فرایند مصاحبه، سعی شد تا نکات مهم و قابل توجه بعد از پایان هر مصاحبه یادداشت برداری شود. همچنین در فرایند تجزیه و تحلیل موارد مهمی که به ذهن پژوهشگر رسیده است در بخش یادداشت‌های نرم افزار اطلس تی وارد گردید.

یافته‌های پژوهش

مراحل کدگذاری در تئوری داده بنیاد شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸؛ خیرگو و بیداله خانی، ۱۳۹۸؛ خدرویدی و همکاران، ۱۳۹۸) که در ادامه چگونگی انجام این مراحل در پژوهش پیش روی تشریح می‌گردند.

مرحله اول: کدگذاری باز

در این مرحله و بر اساس روش داده بنیاد، محقق سعی می‌نماید تا به هر یک از اجزاء و یا بخشهای انتخاب شده از متون مصاحبه و یا سایر داده‌ها، عنوان و یا مفهومی را اختصاص بدهد. این مفهوم که به آن «کد» نیز اطلاق می‌شود باید بتواند بدرستی گویای محتوای آن داده باشد. (میلز^۵ و هوبرمن^۶، ۲۰۰۲) بدین منظور محقق با اتکا به یادداشت‌های تکمیلی خود در حین انجام مصاحبه با خبرگان، بلافاصله بعد از پیاده‌سازی

1. Variation
2. Creativity
3. Sensitivity

4. Evidences and memos
5. Mills
6. Huberman

هر مصاحبه اقدام به کدگذاری نموده است. در این پژوهش با ارجاع به ۳۲۹ گزاره مفهومی و پاراگراف از متون پیاده سازی شده مصاحبه ها و یادداشتهای پژوهشگر، ۲۲۰ کد باز استخراج گردید که در جدول ذیل نمونه‌هایی از مفاهیم و کدگذاری‌های باز این پژوهش ارائه شده است.

جدول شماره ۳. نمونه‌ای از کدگذاری باز

شناسه نقل قول	عبارت	مفهوم (کد)
D1.7	در حال حاضر، در دنیا موضوع حرکت به سمت همکاری با استارت آپ ها و فین تک ها به یک ضرورت تبدیل شده است و دیگر یک انتخاب نیست. به این دلیل که صنعت بانکی بشدت با آی تی عجین شده است و برای حفظ بقاء خود نیاز دارد تا تغییراتی بنیادین در مدل کسب و کار خود ایجاد کند.	دیجیتالی شدن صنعت بانکداری، مقوله تحول دیجیتال، ضرورت تغییر در مدل‌های کسب و کار، عوامل محیطی و ملی
D2.7	زمینه‌های تعاملی بانکها با استارت آپها در دو جا به خوبی خود را نشان می‌دهد. یکی از این موارد کاهش هزینه ها است. دومین مورد؛ بازارهای جدیدی که اگر بخواهید به آنها ورود کنید و برای این کار بایستی متحمل هزینه گزافی شوید می‌توانید از طریق استارت آپها به آنها ورود کنید.	توسعه کسب و کار، توسعه بازار، کاهش هزینه ها، انگیزه بانکها در ورود به همکاریهای راهبردی
D3.8	مهمترین مشکلی که در بانکها وجود دارد عبارت از عدم درک صحیح تعاملات جدید است. در این خصوص نیز من به فرهنگ سازمانی اشاره می‌کنم. بخاطر اینکه در طول این سالها خیلی با آن مواجه بوده ام. بسیار اتفاق می افتد که آن سنگینی ساختار و یا آن نگرانی که پرسنل بخاطر از دست دادن کار خود دارند و یا عدم درک صحیح که نسبت به تعاملات جدید و بازیگران جدید دارند باعث می‌شود دست همکاری که از جانب فین تکها به سمت بانکها دراز می‌شود را پس بزنند. این امر از پله‌های پایین تر شروع شده و تا سطح تصمیم گیرندگان ادامه می‌یابد.	موانع و مشکلات بانکها در ورود به همکاریهای راهبردی، ساختار بزرگ و کند بانکها، عدم درک صحیح از تعاملات، معماری و ساختار فرایندها، ترس از بیکار شدن

مرحله دوم: کدگذاری محوری

در این مرحله محقق با صرف وقت و دقت بسیار نسبت به دسته بندی و مقایسه عناوین و کدهای استخراج شده از داده‌های پژوهش اقدام می‌نماید. هرچه دسته بندی با دقت و حوصله بیشتری انجام گیرد، ارتباط میان مفاهیم بهتر آشکار می‌گردد. در واقع هنر محقق استخراج ارتباطات و پیوندهای نامرئی از میان انبوهی از داده‌های خام است و زیبایی روش داده بنیاد نیز در همین واقعیت نهفته است. توسعه دهندگان روش داده بنیاد، فرایند مقایسه مستمر مفاهیم با یکدیگر را «روش مقایسه پایدار» و یا «روش تطبیق مداوم» نامیده‌اند (سلدن^۱، ۲۰۰۵). با استفاده از این تکنیک جنبه‌های مشترک مفاهیم و کدهای باز شکل گرفته و در قالب مقوله ها و یا کدهای محوری و نه‌ایته مقوله‌های کلان، توسط محقق ارائه شده است. حاصل این مرحله از فرایند تحقیق، شکل گیری ۳۱ مولفه و یا مقوله محوری و ۶ مقوله کلان بوده است که نمونه‌ای از نتایج کدگذاری محوری در جدول شماره ۴، ارائه شده است.

1. Selden

جدول شماره ۴. نمونه‌ای از نتایج کدگذاری حول مقولات محوری

مفاهیم (کدهای باز)	مؤلفه (کد محوری)	مقوله کلان
دسترسی به امتیازات و مجوزهای بانکی MD1 دسترسی به امکانات بانکی نظیر سویچ و ای پی آی و سندباکس MD2 دسترسی به انواع داده‌ها MD3 دسترسی به شبکه مشتریان بانکها MD4 دستیابی به مزیت‌های رقابتی MD5 جایگاه سلايق مشتری MD6 شرط بقا MD7 انگیزه‌های کارآفرینانه MD8	توسعه بازار Market Development (MD)	انگیزه بانکها و فین‌تکها در ورود به مقوله همکاری Strategic Cooperation Motivations (SCM)

مرحله سوم: کدگذاری انتخابی و ارائه مدل کیفی

در کدگذاری انتخابی و بر اساس نظرات استراوس، محقق مؤلفه‌های اصلی را تعیین و نسبت به برقراری ارتباطات آنها با سایر مؤلفه‌ها و مقوله‌های محوری اقدام می‌نماید. کدگذاری انتخابی شامل یکپارچه‌سازی و فرایند بهبود مقوله‌ها می‌باشد (استراوس، ۱۹۸۷). در مرحله کدگذاری انتخابی پژوهشگر سعی می‌نماید تا با استفاده از روابط موجود میان مقوله‌های کدگذاری محوری نسبت به تبیین و نگارش مدل نظری اقدام نماید. محقق در این پژوهش یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را در نظر گرفته، مقوله محوری را که منجر به استفاده از راهبردی خاص گردیده است، انتخاب نموده و نهایتاً آن را به شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها در قالب شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ربط داده است. (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در جدول شماره ۵، ابتدا نتایج کدگذاری انتخابی تبیین گردیده و نهایتاً و همانگونه که در شکل شماره ۲ قابل ملاحظه می‌باشد مدل کیفی کدگذاری انتخابی بر اساس مدل (کرسول^۱ و گوترمان^۲، ۲۰۱۸) و رویکرد استراوس و کوربین ارائه گردیده است.

جدول شماره ۵. نتایج مقوله‌های کدگذاری انتخابی با رویکرد استراوس و کوربین، منبع نویسندگان

نیاز به توسعه بازار اکوسیستم نوین کسب و کار تحول دیجیتال انگیزه‌های نوآورانه	مقوله‌های کدگذاری در مورد شرایط علی
سطوح همکاری بانکها و فین‌تکها	مقوله‌های کدگذاری در مورد پدیده محوری
زیرساخت‌های علم و فناوری زیرساخت فناوری اطلاعات عوامل فرهنگی سیاست‌گذاری قوانین و مقررات	مقوله‌های کدگذاری در مورد شرایط زمینه ای

1. Creswell

2. Guetterman

<p>قانونگذاران و نهادهای ناظر موانع اقتصادی و تجاری تحریمهای بین المللی چالشهای امنیتی</p>	
<p>عوامل ساختاری نقش و جایگاه مدیران ایجاد زیرساختهای فناوری اطلاعات اعتمادسازی و انتخاب بهینه شبکه سازی بانکها و فین تکها</p>	<p>مقوله های کدگذاری در مورد شرایط مداخله گر</p>
<p>همکاری راهبردی انعطاف پذیر مشارکت و همکاری تعامل و تشریک مساعی اتحادهای استراتژیک سرمایه گذاری خطر پذیر همکاری رقابتی</p>	<p>مقوله های کدگذاری در مورد راهبردها</p>
<p>توسعه کسب و کار ارزش آفرینی ارتقاء بهره وری ارتقاء شفافیت و سلامت مالی مدیریت بهینه ریسکهای مالی</p>	<p>مقوله های کدگذاری در مورد پیامدها</p>



شکل شماره ۲. مدل کیفی همکاری نظام بانکی ایران با شرکت‌های حوزه فین‌تک، منبع نویسندگان

آنگونه که از جدول شماره ۵ و شکل شماره ۲ قابل مشاهده است انگیزه‌های توسعه بازار در کنار تحولات دیجیتال از مهمترین شرایط علی ورود بانکها و فین‌تکها به مقوله همکاری و جایگزینی آن با رقابت صرف می‌باشند. تشکیل اکوسیستم‌های کسب و کار، شبکه‌سازی و انگیزه‌های نوآورانه نیز راه‌کاری جز ورود به همکاری راهبردی را باقی نمی‌گذارند. پدیده محوری این مدل، انواع سطوح همکاری بانکها و شرکت‌های حوزه فین‌تک است که از میان تمامی سطوح همکاری موجود، (جدول شماره ۶ در ضمیمه) سطوح همکاری راهبردی؛ مشارکت و همکاری، تعامل و تشریک مساعی، اتحادهای استراتژیک، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و همکاری رقابتی به عنوان مهمترین سطوح همکاری راهبردی تبیین شده است.

در نهایت این مدل، با لحاظ شرایط زمینه‌ای که خارج از کنترل بنگاه می باشد و شرایط مداخله‌گر تحت کنترل بنگاه‌ها، مهمترین پیامدهای ورود هر دو گروه بانکها و فین تک‌ها به همکاری‌های راهبردی را؛ توسعه کسب و کار، خلق ارزش، ارتقاء بهره‌وری، ارتقاء شفافیت و سلامت مالی و مدیریت بهینه ریسک‌های مالی دانسته است. در انتهای مقاله و در بخش ضmann نمودار فراوانی مفاهیم استخراج شده مربوط به مقولات کلان و محوری مدل فوق و مدل استخراج شده از نرم افزار اطلس تی قابل ملاحظه می‌باشند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف ارائه مدلی جهت تبیین عوامل موثر بر همکاری میان نظام بانکی کشور و شرکت‌های حوزه فین تک سعی کرده است تا با شناسایی این عوامل و شاخص‌های موثر در این زمینه سیاست‌گذاران و مدیران صنعت بانکی و حوزه تغییر و تحول دیجیتال را در ارتقاء خدمات بانکی و مالی با استفاده از توان شرکت‌ها و استارت آپ‌های فین تکی یاری رساند. نتایج حاصل از پیاده‌سازی و تحلیل مصاحبه‌ها با خبرگان بانکی و حوزه فین تک نهایتاً منجر به استخراج ۲۲۰ مفهوم در قالب ۶ مقوله اصلی و ۳۱ مقوله فرعی یا مؤلفه تبیین کننده همکاری نظام بانکی و شرکت‌های حوزه فین تک در ایران گردید که در این بخش سعی می‌شود تا اهم آنها تشریح گردند؛ در تفصیل انگیزه بانک‌ها و فین تک‌ها در ورود به همکاری، به عنوان اولین مقوله اصلی در تبیین مدل با توجه به ساختار بومی کشور، چهار مؤلفه؛ نیاز به توسعه بازار، جنبه‌های مالی، انگیزه‌های نوآوری و اکوسیستم‌های نوین کسب و کار شناسایی گردید. در این بخش مفاهیمی همچون دسترسی به انواع داده‌ها، دسترسی به شبکه مشتریان بانکی و نوآوری در خلق محصولات جدید از طرف فین تک‌ها و کسب درآمد، دستیابی به مزیت رقابتی، حرکت به سمت اقتصاد هوشمند، لزوم رویکرد و تفکر اکوسیستمی و ورود به اکوسیستم نوین کسب و کار از طرف بانک‌ها و فین تک‌ها به دفعات توسط خبرگان تکرار و تاکید شده‌اند. مهمترین عوامل تعیین کننده همکاری بانکها و فین تکها به عنوان دومین مقوله اصلی عبارتند از؛ تحول دیجیتال و صنعت فناوری اطلاعات، زیرساخت‌های علم و فناوری، عوامل ساختاری، عوامل سازمانی، عوامل فرهنگی، جایگاه مدیران، اعتمادسازی و انتخاب بهینه و جنبه‌های حقوقی و قانونی. در این میان بر مفاهیمی چون اهمیت گسترش صنعت فناوری اطلاعات، ایجاد مراکز نوآوری، چابکی و خلاقیت استارت آپ‌های فین تکی، لزوم چالاک سازی ساختار بانکها، انحصارطلبی و ساختار سازمانی بانکها، تاثیر تفکرات دولتی، جایگاه نگرش، دانش و سلیق مدیران، لزوم آشنایی با دانش و ادبیات بانکی (توسط فین تک‌ها)، اعتمادسازی نزد بانکها، جنبه‌های حقوقی قراردادها و لزوم ارتقاء قوانین و مقررات بارها تاکید شده است. بعد از تحلیل چندباره داده‌ها، انواع سطوح همکاری بانکها و فین تک‌ها به عنوان سومین مقوله از ابعاد اصلی مدل همکاری شناسایی شد. این سطوح همکاری شامل سه مؤلفه؛ سطوح همکاری رایج، سطوح همکاری راهبردی و لزوم همکاری‌های راهبردی انعطاف پذیر و پویا می‌باشند. با مراجعه به تحقیقات مشابه و تبادل نظر با خبرگان، برای اولین بار از این زاویه به مقوله همکاری در کشور پرداخته شده است که در سطرهای آتی مجدداً به آن باز می‌گردیم. بر این اساس رقابت با استارت آپ‌های فین تکی همچنین خرید و یا ادغام آنها از مهمترین موارد موجود در میان سطوح همکاری رایج بانکها و فین تکها

بوده است. از سوی دیگر، همکاری و تشریک مساعی، ورود به اتحادهای استراتژیک و سرمایه‌گذاری خطرپذیر به عنوان مهمترین مؤلفه‌های سطوح همکاری راهبردی بانک‌ها و فین‌تک‌ها تبیین شده‌اند. در نهایت مؤلفه‌هایی نظیر لزوم شناسایی مراحل رشد استارت‌آپ‌ها، شناسایی بلوغ و چرخه عمر فین‌تک‌ها و لزوم تنوع در سطوح همکاری منجر به ارائه راهبرد اصلی لزوم ورود بانک‌ها و فین‌تک‌ها به همکاری‌های راهبردی انعطاف‌پذیر (با توجه به چرخه عمر فین‌تک) در مدل همکاری گردید. در تشریح ابعاد و مؤلفه‌های برون سازمانی به عنوان چهارمین مقوله اصلی، شش مؤلفه؛ عوامل محیطی و ملی، عوامل بین‌المللی و تحریم‌های حوزه فناوری، قانون‌گذاران و نهادهای ناظر، سیاست‌گذاری، دولت و مجلس و لزوم ایجاد اتحادیه و سندیکای بانکی از نقش ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. موانع و مشکلات ورود به همکاری‌های راهبردی به عنوان پنجمین بعد از ابعاد اصلی این همکاری عبارتند از: محدودیت‌های فناوری و زیرساختی، شامل؛ مؤلفه‌های کمبود آموزش دیجیتال، عدم تناسب زیرساخت‌های آی‌تی، عدم تحقق نیازهای نرم‌افزاری و مهاجرت نیروهای متخصص، موانع اقتصادی و تجاری، شامل؛ از بین رفتن کسب و کارهای سنتی، عدم حمایت و امکان جذب سرمایه استارت‌آپ‌ها، نگاه تهدیدی و رقابتی بانک‌ها به فین‌تک‌ها و عدم شناخت کافی از کسب و کارهای بانکی، موانع فرایندی نظیر امتزاج با فرهنگ نامطلوب بانک‌ها، ساختار کند و بروکراتیک بانک‌ها، تغییرات مدیریتی بسیار و عدم درک صحیح فین‌تک‌ها از تعاملات، چالش‌های امنیتی، نظیر هک و سوءاستفاده از داده‌ها و موانع قانونی نظیر، عدم ثبات در رویه‌ها و تغییر قوانین، عدم هماهنگی نهادهای قانون‌گذار و مباحث مالکیت معنوی. در انتها نیز، مهمترین پیامدهای ورود به همکاری بانک‌ها و فین‌تک‌ها در قالب پنج مؤلفه؛ توسعه کسب و کار، ارزش آفرینی، ارتقاء بهره‌وری، ارتقاء شفافیت و سلامت مالی و مدیریت بهینه ریسک، از جمله کاهش ریسک‌های اعتباری، مالی و سایبری تبیین گردیده‌اند. هر چند تحقیقات مشابهی نیز در کشور حول این موضوع صورت پذیرفته است اما نتایج حاصل از این پژوهش شامل نکات متمایزی است که برخی از آنها در مقایسه با مطالعات انجام شده بین‌المللی و ملی بدین شرح می‌باشند: از مهمترین شرایط علی و تاثیرگذار، ورود به اکوسیستم‌های نوین کسب و کار است. کسب و کار نظام بانکی و مشتریان آن از قالب یک سیستم مستقل و منحصر به فرد خارج و در سایه ظهور و ورود فین‌تک‌ها تبدیل به یک اکوسیستم کسب و کار شده است که بانک‌ها و فین‌تک‌ها به عنوان اجزاء اصلی آن چاره‌ای جز ورود به همکاری‌های راهبردی ندارند. این یافته تحقیق کاملاً با نظرات تین و همکاران (۲۰۲۱)، همسو است. همچنین یافته‌های پژوهش در خصوص نقش عوامل سازمانی و عوامل ساختاری در کنار مؤلفه‌های مربوط به ابعاد و عوامل برون سازمانی نظیر قوانین و مقررات، فناوری‌های برهم زننده و فضای کسب و کار کاملاً با مطالعات تین و همکاران (۲۰۲۱)، منطبق است. در ادامه یافته‌هایی همانند نقش تغییر و تحولات دیجیتال، اهمیت فناوری اطلاعات در بانکداری، ایجاد بانک‌های دیجیتال و هوشمند کاملاً با مطالعات مارچینی و همکاران (۲۰۲۰)، انطباق دارند. بر اساس یافته‌های هورنوف و همکاران (۲۰۲۰)، دیجیتالی سازی صنعت بانکداری به عنوان عاملی اساسی که در همکاری و تعامل میان بانک‌ها و استارت آپ‌های فین‌تکی نقش بازی میکند اندازه گیری شده است. همچنین این موضوع مورد تایید قرار

می گیرد که ورود به یک همکاری و یا اتحاد جدید ارزش بازار بانکها را تحت تاثیر مثبت قرار می دهد. بنابراین یافته های تحقیق حاضر مبنی بر لزوم ورود به همکاری های راهبردی از طریق تشریک مساعی و یا اتحادهای استراتژیک و ارزش آفرینی به عنوان یکی از پیامدهای ورود به همکاری، کاملاً با یافته های هورنوف و همکاران همخوانی دارند. در همین راستا بروز تحولات دیجیتال در کنار انگیزه های نوآورانه در بانکها و فین تکها و نیاز به توسعه بازار از علل اساسی شکل گیری همکاری نظام بانکی و فین تکها شناخته شده است. همانگونه که ذکر شد، در تبیین نتایج حاصل از تشریح انواع سطوح همکاری بانکها و فین تکها که از مصاحبه با نخبه گان این حوزه استخراج گردید، برای اولین بار انواع سطوح همکاری بانکها و شرکتهای حوزه فین تک در دو مقوله فرعی؛ سطوح همکاری رایج و سطوح همکاری راهبردی تقسیم بندی شده است. این تقسیم بندی مؤید این واقعیت است که بسیاری از انواع همکاریهای رایج میان بانکها و شرکتهای فین تکی در ایران مبتنی بر مفاهیم سنتی و رایج بوده و لزوماً راهبردی نیست. همانگونه که در بخش مبانی تئوری پژوهش تشریح گردید، ارتباطات و همکاریهای رایج میان سازمانی عموماً بر اساس نظریه بنسیمون (۱۹۹۹) و همچنین تودوا و کنوکه (۲۰۰۵) قابل تبیین هستند. بر اساس نتایج این تحقیق انواع سطوح همکاری رایج عبارتند از خرید، مالکیت، ادغام و رقابت خالص. از سوی دیگر سطوح همکاری تعامل و تشریک مساعی، اتحادهای راهبردی، مشارکت، سرمایه گذاری خطر پذیر و همکاریهای رقابتی از مصادیق مهم و اساسی سطوح همکاری راهبردی میان بانکها و فین تکها می باشند که بر مبنای مدل پیشنهادی این پژوهش به عنوان یکی از راهبردهای اساسی جهت ورود به همکاری شناخته شده است. این یافته تحقیق با مبانی نظری پژوهش نیز در خصوص همکاریهای راهبردی، تبیین شده توسط آستر (۱۹۹۵)، اولک (۱۹۹۹)، وبستر (۱۹۹۹) و افسرمنش و همکاران (۲۰۰۶) کاملاً تطبیق دارد. در حوزه راهبردها، آنچه اکثریت قریب به اتفاق نخبگان به آن اذعان داشته اند، تبیین سطوح همکاری میان بانکها و شرکتهای حوزه فین تک با توجه به چرخه عمر و مراحل رشد استارت آپهای فین تکی و شرکتهای حوزه فین تک بوده است. از این نقطه نظر، اینکه فین تک در چه مرحله ای از رشد و چرخه عمر خود قرار دارد میتواند تعیین کننده نوع همکاری میان بانکها و فین تکها باشد. از این روی بانکها می توانند هم زمان با تعدادی از فین تکها وارد اتحادهای استراتژیک شده، با تعدادی دیگر مشارکت و تشریک مساعی نمایند، اقدام به سرمایه گذاری مخاطره آمیز کنند و یا اینکه از استارت آپهای فین تکی در مراحل اولیه رشد حمایت نمایند. این پژوهش با لحاظ کلیه موارد فوق، راهبرد؛ همکاریهای راهبردی انعطاف پذیر را معرفی کرده است، این راهبرد بصورت نوآورانه ای در کنار مقوله راهبردی بودن همکاریها که در تحقیقات مشابه و همکاریهای میان سازمانی از سابقه نسبتاً زیادی برخوردار می باشد، مفهوم انعطاف پذیری و پویایی همکاریهای راهبردی را مطرح می نماید که همانگونه که اشاره گردید به چرخه عمر و مراحل رشد شرکت فین تکی ارتباط مستقیم دارد. در مقوله شرایط مداخله گر، در کنار عوامل فرهنگی، عوامل ساختاری و نقش مدیران، اعتمادسازی و انتخاب بهینه به عنوان مفهومی جدید مطرح شده و به نظر می رسد از اهمیت ویژه ای در شکل گیری همکاریهای راهبردی برخوردار است. همچنین در مقوله شرایط زمینه ای، نقش قانون گذاران و نهادهای ناظر و مقوله

سیاست‌گذاری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ البته در شرایط حاضر محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم‌های حوزه فناوری نیز به میزان زیادی تعیین‌کننده است. نهایتاً مهم‌ترین پیامدهای همکاری راهبردی نظام بانکی و فین‌تکها در این مطالعه؛ توسعه کسب و کار بنگاه، ارزش آفرینی، ارتقاء بهره‌وری و کارایی، ارتقاء شفافیت و سلامت مالی و نهایتاً مدیریت بهینه ریسک‌های مالی عنوان شده است. در پایان جهت مطالعات و تحقیقات بیشتر و معرفی زمینه‌های تحقیقاتی، مطالعه بر چگونگی و نحوه تاثیرگذاری هر یک از مقوله‌های مطرح‌شده در شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، همچنین شناسایی جنبه‌های پویایی مدل همکاری‌های راهبردی نظام بانکی و شرکتهای فین‌تکی پیشنهاد می‌گردد که قطعاً می‌توانند جهت استفاده سیاست‌گذاران و متولیان این حوزه بسیار راه‌گشا باشند.

منابع

- اسدالله، مهسا، ثانوی فر، رسول، و حمیدی زاده، علی (۱۳۹۸). الگوی کسب و کار بانکداری الکترونیک مبتنی بر ظهور فین‌تکها و استارت‌آپ‌های مالی. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره ۷، شماره ۲، شهریور ۱۳۹۸، ص ۲۴۸-۱۹۵.
- اسدالله، مهسا، ثانوی فرد، رسول، و حمیدی زاده، علی (۱۴۰۰). طراحی مدل کسب و کار بانکداری باز در پرتوی نوآوری باز. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۲(۴۵)، ص ۲۶۸-۲۴۵.
- اسدی قنبری، عبدالرضا، سلامتی طباطبائی، سیده سارا، دانشگر، سید علی و حیدری، فرشاد (۱۳۹۵). فین تک ها یا فرصت و نقش آن ها در آینده ی بانکداری. ششمین همایش ملی بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت، تهران، <https://civilica.com/doc/785642>.
- آزادگان مهر، ماندانا، قاسمی، اکرم، ردائی، نیلوفر، قاضی نوری، سیدسروش، بنی طباطبائی، سیدمهدی، علیزاده، پریسا، افشین، حسین و اژدری، علی اصغر (۱۳۹۸). بررسی صنعت فین تک و تدوین برنامه سیاستی توسعه فین تک در ایران (۱): وضعیت فین تک در جهان. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- پاینده، رضا، شهبازی، میثم، منطقی، منوچهر و کریمی، تورج (۱۳۹۸). همکاری بانک و فین‌تک: مروری نظام مند بر ادبیات علمی. پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۲۳، شماره ۴، سال ۱۳۹۸، ص ۱۷۲-۱۳۰.
- خانلری، امیر، انصاری چهارسوقی، شهریار، حسنقلی پور، طهمورث، و عزیزی، شهریار (۱۳۹۹). تبیین و طراحی مدل شکل‌گیری بازار خدمات بانکی مبتنی بر فناوری مالی (فین تک) در ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد). تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شمار ۴۷، پاییز ۱۳۹۹، ص ۸۶-۷۳.
- خیرگو، منصور و بیداله خانی، فریدون (۱۳۹۸). طراحی الگوی نظام نوآوری در سازمان‌های دفاعی: پژوهشی کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، سال دوم، شماره ۴(۲)، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- روحانی راد، شایان (۱۳۹۹). فین تک؛ جستاری در سطح جهان و ایران. سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۱۰، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، ص ۹۴-۷۵.

زمانی، اردشیر، رحمتی، محمدحسین، زندحسامی، حسام و یزدانی، حمیدرضا (۱۳۹۸). تحلیلی بر عوامل انگیزنده و بازدارنده همکاریهای راهبردی بین المللی شرکتهای دانش بنیان (مورد مطالعه: شرکتهای زیست فناوری ایرانی و آلمانی). *مدیریت کسب و کارهای بین المللی*، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۹۸، ص ۱۶۹ - ۱۴۵.

شمایی کوپایی، میلاد (۱۳۹۳). شناسایی و تبیین ابعاد مدیریت جهادی با رویکرد نظریه سازی داده بنیاد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

مروت، امیربهادر و نظری زاده، فرهاد (۱۴۰۱). سناریوهای استارت آپ های صنعت فین تک و بانکداری ایران در افق ۱۴۱۰ با استفاده از تحلیل اثرات متقابل. *مدیریت بهبود*، دوره ۱۶، شماره ۳ (پیاپی ۵۷)، پاییز ۱۴۰۱.

مرکز پایش الکترونیکی، پانوراما فین تک (۱۴۰۰). بررسی اکوسیستم فین تک ایران و صنعت مالی در اینترنت و موبایل.

Bensimon, S. (1999). Strategic alliances. *Executive Excellence*. Vol.16, No 10, p.9.

Camarinha-Matos, Luis & Afsarmanesh, H. (2008). Concept of Collaboration. *Encyclopaedia of Networked and Virtual Organizations*, 311-315.

Colbry, S., College, C. & Adair, R. (2014). Collaboration Theory. *The Journal of Leadership Education*. 13. P. 63-75. 10.12806/V13/I4/C8.

Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. Third Edition, Los Angeles: Sage Publications.

Creswell, J. & Guetterman, T. (2018). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*, 6th Edition.

Gomber, P., Koch, J., A., & Siering, M. (2017). Digital Finance and FinTech: Current Research and Future Research Directions. *Journal of Business Economics*. Vol. 87, issue 5, No. 2, 537- 580.

Hornuf, L., Klus, M., Lohwasser, T. & Schwienbacher, A. (2020). How Do Banks Interact with Fintech Startups? *Small Bus Econ*. 57, 1505–1526. <https://doi.org/10.1007/s11187-020-00359-3>.

Lucas Jr, H. C. (2013). Impactful Research on Transformational Information Technology: An Opportunity to Inform New Audiences. *Management Information Systems: quarterly*, 37(2).

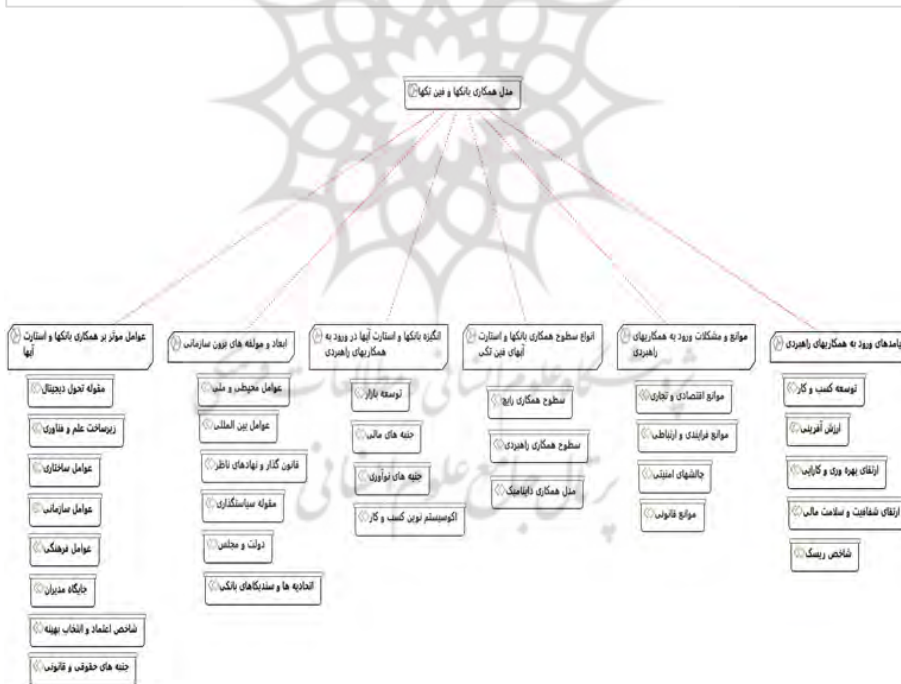
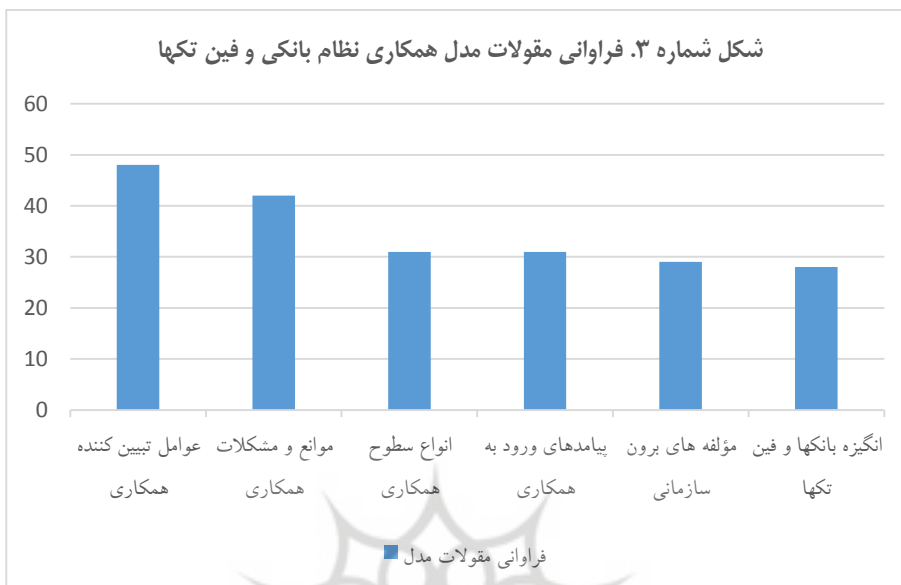
Miles, M., & Huberman, A. (2002). *Qualitative Data Analysis: A Sourcebook of New Methods*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Mărăciue, V., Voican, O., & Scarlat, E. (2020). The Digital Transformation and Disruption in Business Models of the Banks under the Impact of FinTech and BigTech. *Proceedings of the International Conference on Business Excellence*. 14. 294-305. 10.2478/picbe-2020-0028.

Olk, P. (2002). Evaluating Strategic Alliance Performance. In: Contractor, F.J. and Lorange, P. (eds.), *Cooperative Strategies and Alliances*, London: Elsevier Press, 119-143.

- Puschmann, T. (2017). Fintech. Springer Fachmedien Wiesbaden 2017. *Business and Information Systems Engineering*. 59(1):69–76 (2017) DOI 10.1007/s12599-017-0464-6.
- Sawy, O.E., & Pereira, F. (2012). *Business Modelling in the Dynamic Digital Space: An Ecosystem Approach*, Springer.
- Selden, L. (2005). On Grounded Theory-With Some Malice. *Journal of Documentation*, Vol. 61, No.1, 114-129.
- Siddiqui, Z., & Rivera, C. A. (2022). FinTech and FinTech Ecosystem: A Review of Literature. *Risk Governance and Control: Financial Markets & Institutions*, 12(1), 63–73.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications, Inc.
- Thakor, A. V. (2020). Fintech and Banking: What Do We Know? *Journal of Financial Intermediation*. Vol. 41, 100833, <https://doi.org/10.1016/j.jfi.2019.100833>
- Thiruma, V. A. (2023). FinTech is Enabler or Disruptive to the Banking Industry: An Analytical study. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 17(01), 67-72.
- Tien, P. P., Pham, T., Quddus, A., Ibne Asad, A., Popesko, B., & Sarfraz, H. (2021). The Factors of FinTech: A Literature Review. *DOKBAT Journal of Business and Technology*, 34(2), 395-405. <https://doi.org/10.7441/dokbat.2021.34>
- Todeva, E. & Knoke, D. (2005). Strategic Alliances and Models of Collaboration. *International Management, Strategy and Enterprise Research*. 43, 10.1108/00251740510572533.

ضمائم



شکل شماره ۴. مدل استخراج شده از خروجی نرم افزار اطلس تی ۸

جدول شماره ۶. نتایج کدگذاری حول مقولات محوری، منبع نویسندگان

مولفه‌ها (کدهای محوری)	ابعاد (مقوله کلان)
نیاز به توسعه بازار Market Development (MD)	انگیزه بانکها و فین تکها در ورود به همکاری Strategic Cooperation Motivations (SCM)
جنبه های مالی Financial Aspects (FA)	
انگیزه های نوآورانه Innovation Motivations (IM)	
اکوسیستم نوین کسب و کار Business Ecosystem (BE)	
تحول دیجیتال Digital Transformation (DT)	عوامل تبیین کننده همکاری بانکها و فین تکها Effective Factors on Cooperation (EFOC)
زیرساختهای علم و فناوری Technology Infrastructures (TI)	
عوامل ساختاری Structural Factors (SF)	
عوامل سازمانی Organizational Factors (OF)	
عوامل فرهنگی Cultural Factors (CF)	
جایگاه مدیران Manager Tact (MT)	
اعتمادسازی و انتخاب بهینه Trust Making (TM)	
جنبه های حقوقی و قانونی Legal Features (LF)	
سطوح همکاری رایج Conventional Cooperation (CC)	انواع سطوح همکاری بانکها و فین تکها Levels of Cooperation Between Banks and Fintechs (LCBF)
سطوح همکاری راهبردی Strategic Cooperation (SC)	
همکاری راهبردی انعطاف پذیر و پویا Dynamic Cooperation (DC)	
عوامل محیطی و ملی Peripheral Factors (PF)	ابعاد و مولفه های برون سازمانی Extra Organizational Factors (EOF)
عوامل بین المللی و تحریمهای حوزه فناوری International Factors (IF)	

قانون گذاری و نهاد ناظر Law Making (LM)	
سیاست گذاری Policy Making (PM)	
دولت و مجلس Government and Parliament (GP)	
اتحادیه و سندیکای بانکی Banking Syndication (BS)	
محدودیتهای فناوریانه و زیرساختی Technology Limitations (TL)	موانع و مشکلات ورود به همکاریهای راهبردی Strategic Cooperation Barriers (SCB)
موانع اقتصادی و تجاری Economic Barriers (EB)	
موانع فرایندی Procedure Barriers (PB)	
چالشهای امنیتی Security Challenges (SC)	
موانع قانونی Legal Barriers (LB)	پیامدهای ورود به همکاریهای راهبردی Strategic Cooperation Outcomes (SCO)
توسعه کسب و کار Business Development (BD)	
ارزش آفرینی Value Making (VM)	
ارتقاء کارایی Efficiency Improvement (EI)	
ارتقاء شفافیت و سلامت مالی Transparency Improvement (TI)	
شاخص ریسک Risk Indicators (RI)	